


روش برخورد با مخالفان از منظر اخلاق اسلامی

محمدحسین فائزی / دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت مربی اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mhfaezi110@gmail.com  orcid.org/0009-0007-9682-9567

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

چکیده

یکی از مسائل چالش‌انگیز اخلاق اجتماعی، مسئله برخورد حکومت اسلامی با مخالفان داخلی است. هدف مقاله پیش‌رو از بررسی این مسئله، ارائه معیار جامع و صحیح به حاکمان، برای برخورد با مخالفان داخلی است. روش این مقاله، توصیفی - تحلیلی همراه با تکنیک اسنادی و کتابخانه‌ای است. به این منظور ابتدا مراد از حکومت و مخالف آن و سپس انواع مخالفان مطرح شده و پس از اثبات اصل برخورد با مخالف توسط حاکمان، به روش‌های برخورد با مخالفان در منابع اخلاق اسلامی (به‌صورت مشخص قرآن و سنت) پرداخته شده است. یافته اصلی این پژوهش رسیدن به یک اصل کلی و فراگیر از میان شواهد متعدد در قرآن و سنت است. این معیار فراگیر، برخورد هدایتی حاکم، به صورت مرحله‌ای است. این مراحل، شامل روش‌های متنوعی می‌شود. در پی تنوع روش‌ها، لحاظ تفاوت میان مخالفان و یکسان ندیدن آنها ضروری است. این روش‌ها عبارت‌اند از: مدارا، قاطعیت کلامی و قاطعیت فیزیکی و جهاد.

کلیدواژه‌ها: روش برخورد، حاکم، حکومت اسلامی، مخالف، اخلاق اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

سیره انبیاء علیهم‌السلام به‌ویژه سیره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلیل روشنی برای توجه اسلام به همه ابعاد زندگی بشری است. ایشان هدف از بعثت خود را به کمال رساندن مکارم اخلاق فرموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰) و در همین راستا با تشکیل حکومت و نظام اسلامی، الگوی اخلاق اجتماعی جامعه را ترسیم می‌کنند و راه کمال اجتماعی در بستر اخلاق اسلامی را نشان می‌دهند.

هدف بیان‌شده از بعثت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهمیت بررسی مسائل اخلاقی در همه ابعاد زندگی انسان را بیش از پیش مشخص می‌نماید و بر عالمان دینی و پژوهشگران عرصه دین لازم می‌کند که به بررسی نظام اخلاق اسلامی بپردازند و اخلاق اسلامی را در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی تبیین کنند.

در میان مسائل اخلاق اجتماعی اسلام، یکی از مسائل مهم به‌ویژه برای مسئولان و زمامداران حکومت اسلامی، روش برخورد با مخالفان است که از مسائل چالش‌انگیز و موردنیاز جامعه امروزی به حساب می‌آید؛ از این‌رو مناسب و ضروری است بر همه جهات مختلف آن بحث و بررسی صورت گیرد؛ اما در این مقاله به جهت رعایت اختصار، تنها مسئله روش برخورد حاکم اسلامی با مخالفان داخلی مطرح می‌گردد.

آنچه بر اهمیت این مسئله می‌افزاید، حفظ نظام اسلامی با توجه به جو رسانه‌ای حاکم در عرصه‌های بین‌المللی، مبتنی بر مفاهیمی همچون «آزادی» و «حمایت از حقوق بشر» است که نوع برخورد با مخالفان نظام اسلامی را حساس‌تر می‌کند.

پژوهش پیش‌رو، برای پاسخ دادن به این پرسش سامان یافته است: از نظر اخلاق اسلامی چگونه باید با افراد مخالف حکومت اسلامی، برخورد کرد؟ پاسخ به برخی پرسش‌های فرعی برای دستیابی به حل مسئله فوق ضروری است و از جمله این پرسش‌ها عبارت‌اند از: انواع مخالفان کدام‌اند؟ لزوم اصل برخورد با مخالفان چگونه ثابت می‌شود؟ آیا اصل فراگیری برای تعیین روش‌ها، در قرآن و سنت وجود دارد؟ روش‌های برخورد با مخالفان از منظر آیات و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام چیست؟ چه چالش‌هایی در عملیاتی کردن این روش‌ها توسط حاکم وجود دارد؟

پژوهش اخلاقی حاضر یک پژوهش از جنس اخلاق کاربردی است؛ اخلاق کاربردی، مبانی ارزش داورى اخلاقی و معیارهای کلی ارزش داورى اخلاقی را در مسائل خاص اخلاقی به کار می‌گیرد. این مسائل عموماً از مسائل نوپدید و چالش‌برانگیز اخلاقی هستند و در همین راستا، اخلاق کاربردی رسالت برطرف کردن تراحمات اخلاقی را هم بر عهده دارد (شریفی، ۱۳۹۰). روش بررسی مسائل خاص اخلاقی در اخلاق کاربردی، روش عقلانی، استنباطی و اجتهادی است. حاصل این روش، استنباط احکام اخلاقی به صورت مسئله محور و با تکیه بر مبانی ارزش داورى اخلاقی و معیارهای کلی آن است (همان).

براین‌اساس آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد الزامات اخلاقی و نه لزوماً فقهی، در حوزه روش برخورد با مخالفان داخلی حکومت اسلامی است و از میان منابع اخلاق اسلامی، بر یافته‌های قرآن و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام تأکید شده است.

کتاب‌ها و مقالات قابل‌توجهی پیرامون این مسئله نگاشته شده است. آنچه از میان این آثار به مقاله حاضر

نزدیک است، آثاری است که با رویکرد تحلیلی - توصیفی، سیره رسول اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ را در مواجهه با مخالفان بررسی کرده‌اند. این دسته از آثار را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول آثاری هستند که ناظر به یک اصل و روش اساسی نیستند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب *سیره تربیتی اخلاقی پیامبر ﷺ در مواجهه با خطاکاران* (پارچه‌باف، ۱۳۹۶) اشاره کرد. این کتاب به بررسی اصول و روش‌های مواجهه پیامبر اکرم ﷺ با خطاکاران مسلمان و غیرمسلمان به‌ویژه کسانی که در رعایت حقوق شخصی ایشان خطا کرده‌اند، پرداخته است. همچنین کتاب *رفتار با مخالفان از دیدگاه نبوی* (سلطانی، ۱۳۹۴) اثر دیگری است که در آن، مؤلف به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که پیامبر اسلام در آغاز ایجاد جامعه اسلامی، چه شیوه‌های رفتاری در مقابل مخالفان سیاسی خود اتخاذ نموده و چه اقدام‌های مهمی را انجام داده است. علاوه بر موارد قبل می‌توان به پایان‌نامه *سیره عملی ائمه معصومین ﷺ و اصحاب در برخورد با مخالفین* (واعظی، ۱۳۸۸) اشاره کرد که با نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی در عصر امامان ﷺ، به دسته‌بندی مخالفان امامان ﷺ پرداخته و ضمن بررسی اهداف امامان ﷺ از برخورد با مخالفان، شیوه‌های گوناگون ایشان و یارانشان را بررسی کرده است.

گروه دوم آثاری هستند که ناظر به یک اصل و روش اساسی هستند. معمولاً در این آثار به جنبه رحمانی عملکرد معصومان ﷺ در برخورد با مخالفان پرداخته شده و انگیزه غالب، پاسخ به شبهه «خسونت در اسلام» بوده است. مقاله «اهداف کاربردی مدارا با مخالفان در سیره نبوی و علوی» (توکلیان و دیگران، ۱۴۰۰) از جمله این آثار است که اهداف «تعامل مداراتی» را بررسی کرده و مهم‌ترین گزاره‌های مربوط به مدارا در سیره پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان علی ﷺ را مورد تحلیل قرار داده است. در اثری مشابه با عنوان «مدارا با مخالفان در سنت و سیره پیشوایان معصوم ﷺ» (احسانی، ۱۳۸۹) مؤلف، به بررسی روش مدارا در سیره همه معصومان ﷺ پرداخته است. همچنین در مقاله «بررسی اصول و روش‌های تربیتی پیامبر ﷺ در مواجهه با خاطیان نسبت به حقوق شخصی ایشان» (پارچه‌باف و موسوی‌نسب، ۱۳۹۳)، اصل رحمت و فضل به عنوان اصل محوری برخورد پیامبر، عنوان شده و ذیل آن به شیوه‌های عملی این اصل، اشاره شده است.

ویژگی مقاله حاضر در مقایسه با آثار مذکور، ارائه تقسیم‌بندی جدید از مخالفان است که کمک شایانی به تحلیل برخورد معصومان ﷺ با مخالفان می‌کند. علاوه بر آن، به چرایی اصل برخورد با مخالف پرداخته شده و در نهایت، با ارائه اصل هدایت مرحله‌ای در برخورد با مخالفان، به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهد که چگونه برخوردهای نرم و مداراتی معصومان ﷺ با برخوردهای قاطع آنها قابل جمع است؟

تبیین معانی مفاهیم کلیدی مقدمه‌ای لازم برای پاسخ مناسب به مسئله پژوهش است. از این رو در ادامه، معنای مفاهیم اصلی یعنی روش، مخالف و حکومت اسلامی و اخلاق اسلامی را به‌اجمال بیان می‌شود.

۱. معناشناسی

۱-۱. روش

روش به معنای طریقه، قاعده، قانون و شیوه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۴۰۵) و در زبان عربی «منهج» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۲۵) برایش به کار می‌رود.

برای واژه «روش» در اصطلاح، تعاریف گوناگونی بیان شده ولی می‌توان به صورت کلی روش را به «راه انجام یک فعالیت» تعریف کرد. این راه ممکن است مصادیق مختلفی داشته باشد. بنابراین روش برخورد با مخالفان یعنی راه‌های مواجهه شدن با افرادی که مخالف‌اند.

۱-۲. مخالف

این کلمه اسم فاعل از ریشه «خَلَفَ» و از مصدر «خِلاف» گرفته شده است. خِلاف به معنای ضدیت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۹۰) و مخالف کسی است که با یک امری ضدیت دارد. این مفهوم بسیار عام است اما مقصود از مخالف در پژوهش حاضر، کسی است که به هر نوعی از درون نظام با نظام و حکومت اسلامی ضدیتی مغرضانه دارد و مخالفت می‌کند و با «منتقد» متفاوت است. به صورت عرفی، زمانی که شخص ناسازگاری با اصل و هویت یک نظام داشته باشد و قصد او از این ناسازگاری، اصلاح و تکامل جامعه نباشد، بلکه به دنبال اغراض سوء باشد، «مخالف» است (ابوالفتحی و دیگران، ۱۳۹۴) و زمانی که با اصل و هویت یک نظام موافق باشد، ولی در جزئیات ساختارها و عملکردها موافق نباشد و رویکردی مصلحانه داشته باشد، «منتقد» است (حق پناه، ۱۳۸۳).

۱-۳. حکومت اسلامی

واژه «حکومت» در لغت به معنای «منع کردن» و «جلوگیری از فساد» است و از «حکمة اللجام» گرفته شده که به قسمتی از افسار اسب و مانند آن می‌گویند که بر دهان و چانه‌اش احاطه دارد و سوارکار با آن، اسب را در اختیار می‌گیرد (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۰۲). معنای اصطلاحی حکومت چنین است: سازمانی که بر رفتارهای اجتماعی مردم نظارت می‌کند و جهت می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۹) با توجه به معنای حکومت، حکومت اسلامی، سازمانی است که علاوه بر قوانین آن که از احکام اسلامند، مجریان آن هم از جانب خدا منصوب شده‌اند (همان) واژه مرکب حکومت اسلامی، بیش از آنکه معنای قدرت را برساند، به غایت و وظیفه حکومت اشاره دارد که همان برقراری قوانین اسلامی است (فراتی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱-۲۴۳). در پژوهش حاضر مراد از مخالفت با حکومت، مخالفت با حکومت اسلامی است که این مخالفت به اجرای قوانین اسلامی یا شخص حاکم اسلامی برمی‌گردد.

۱-۴. اخلاق اسلامی

واژه اخلاق از ریشه «خَلَقَ» و جمع کلمه «خُلُق» است. در لغت آن را به سرشت و سجیه معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۹۴). اخلاق در اصطلاح رایج اندیشمندان به ملکات راسخه نفسانی و صفات پایداری که بدون تأمل از انسان سر می‌زنند، تفسیر شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹)؛ اما در میان علمای علم اخلاق، آیت الله مصباح یزدی تعریفی برخلاف این اصطلاح رایج ارائه می‌دهند و موضوع اخلاق را فراتر از ملکات راسخه نفسانی می‌دانند. ایشان در جلد اول کتاب *اخلاق در قرآن*، موضوع علم اخلاق را این‌گونه تبیین می‌کنند:

موضوع اخلاق اعم از ملکات اخلاقی است و همه کارهای ارزشی انسان را که متصف به خوب و بد می‌شوند و می‌توانند برای نفس انسانی کمالی را فراهم آورند یا موجب پیدایش رذیلت و نقصی در نفس شوند، دربر می‌گیرد و همگی آنها در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴).

بنابراین می‌توان اخلاق را حیثیت ارزشی تمام کارهای اختیاری انسان دانست و در نتیجه علم اخلاق، علمی است که از انواع صفات خوب و بد و چگونگی به دست آوردن مطلق صفات خوب و زدودن مطلق صفات بد بحث می‌کند (همان، ص ۲۵). در اخلاق اسلامی، علاوه بر طی شدن فرایند مذکور، بر روی نکاتی اساسی تأکید می‌شود که از جمله مهم‌ترین آنها، تأکید بر اینکه هدف و کمال نهایی اخلاق، رسیدن به قرب الهی است و راه رسیدن به کمال نهایی، عبادت است. همچنین اخلاق اسلامی دارای ویژگی‌های شمول نظام ارزشی، انسجام درونی و قابلیت تبیین عقلانی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۵).

۲. انواع مخالفان

مخالفان را می‌توان با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف تقسیم کرد (برای نمونه، ر.ک: شیرودی، ۱۳۸۹). یکی از آن تقسیم‌ها، انواع مخالفان براساس انگیزه‌های مختلف است. با توجه به آنچه در بیان مفاهیم گفته شد، مخالف کسی است که به هر نوعی با نظام و حکومت اسلامی مخالفت می‌کند و ضدیتی مغرضانه نشان می‌دهد. این ضدیت ممکن است ناشی از انگیزه‌های حق باشد که در جای خود بحث شده است (برای نمونه، ر.ک: لطیفی و ظریفیان یگانه، ۱۳۹۱)؛ اما در اینجا مقصود از ضدیت و مخالفت، ضدیت ناشی از انگیزه‌های باطلی است که فراتر از سستی در اطاعت و ضعف در عمل است. برای مثال می‌توان به انگیزه‌های هوای نفس، حسادت، کینه توزی نسبت به حاکم حق، حب ریاست و برتری‌جویی و کسب مواهب مادی اشاره کرد. یکی دیگر از این تقسیم‌بندی‌ها، انواع مخالفان براساس قلمرو مخالف است. براین اساس می‌توان مخالفانی را که در درون نظام یا نظام یا بخشی از آن، مخالف هستند، به مخالفان داخلی و مخالفانی را که خارج از نظام یا بخشی از آن مخالف هستند به مخالفان خارجی تقسیم کرد (احسانی، ۱۳۹۴)؛ اما همان‌گونه که اشاره شد مراد از مخالف، مخالف داخلی است.

ملاک تقسیم مخالفان در این بخش یک ملاک متفاوت است و آن، نوع مخالفت مخالفان است. براین اساس مخالفان داخلی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. مخالفانی که تنها در رأی و نظر شخصی مخالفانند و مخالفتشان را در راستای ایجاد یک جو عمومی ابراز نمی‌کنند؛
۲. مخالفانی که مخالفتشان را به صورت کلام و بیانیه ابراز می‌کنند و از این طریق بر جو عمومی جامعه اثرگذارند؛
۳. مخالفانی که ابراز مخالفتشان فراتر از سخن، بلکه همراه با استفاده از برخوردهای سازمانی و همچنین مبارزات فیزیکی است.

۲-۱. مخالفان نوع اول

این مخالفان غالباً از افرادی‌اند که به خاطر ساده‌لوحی و منطق و استدلال ضعیف، دچار شبهه و بدبینی به حاکم و نظام اسلامی می‌شوند، اما انگیزه‌های برای مبارزه کردن با حکومت اسلامی ندارند. مخالفت این افراد، در جو عمومی

جامعه اثرگذار نیست. مخالفت آنها خیلی اثرگذار باشد، به آشنایان و خویشاوندان نزدیک محدود می‌شود و از آن فراتر نمی‌رود.

از این دسته افراد، چنان که امروزه بسیار دیده می‌شود، در زمان معصومان علیهم‌السلام هم بوده است. برای مثال مرد شامی که بر اثر تبلیغات سوء معاویه، ضد امیرمؤمنان علی علیه‌السلام از آن حضرت و اولادش بغض داشت، در کوجه‌های مدینه امام حسن مجتبی علیه‌السلام را می‌بیند و بی‌درنگ شروع به فحاشی می‌کند؛ امام با مهربانی و با جملات خیرخواهانه او را جذب می‌کند و او به شدت از کار خود پشیمان می‌شود (اربلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۶۱).

البته ممکن است در فرض غیرغالب، مخالفانی هم باشند که در این دسته‌اند، اما تنها به خاطر نبودن شرایط، دست به هیچ مبارزه‌ای نمی‌زنند و اگر شرایط فراهم شود و از طرف دشمن تحریکی صورت پذیرد، حتی ممکن است وارد دسته سوم از مخالفان دربیایند و به صورت فیزیکی با حکومت اسلامی مبارزه کنند.

۲-۲. مخالفان نوع دوم

گاهی مخالفان برای ابراز مخالفتشان دست به مبارزه کلامی می‌زنند و از این طریق بر افکار عمومی جامعه اثر می‌گذارند. این اشخاص معمولاً از افراد دارای نفوذند و می‌کوشند با استفاده از کلمات جذاب و مغالطه‌آمیز جامعه را بر ضد حکومت اسلامی بشورانند. امروزه با گسترش ابزار رسانه مخصوصاً شبکه‌های اجتماعی، هم تعداد این نوع مخالفت افزایش یافته و هم اثرگذاری آنها بیشتر شده است و این مسئله، برخورد حاکم و مسئولان اسلامی را در برابر آنان، حساس‌تر و خطیرتر می‌کند.

مثالی که برای این مخالفان از فرهنگ قرآنی می‌توان ارائه داد، داستان *قارون بن یصهر* است که قرآن او را در بدکاری، در ردیف فرعون و هامان شمرده است. او در میان مردم علیه موسی و خدای موسی سخنرانی می‌کرد و با امکانات مادی خود به دیگران فخر می‌فروخت و در دل برخی مؤمنان تزلزل ایجاد می‌کرد. قرآن کریم به گوشه‌ای از سخنرانی او و تزلزل برخی افراد، اشاره می‌کند:

«قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أُولَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يَسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ». فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۸ و ۷۹)؛ گفت: جز این نیست که این [فروت و مال انبوه] را بر پایه دانشی که نزد من است به من داده‌اند. آیا می‌دانست که خدا پیش از او اقوامی را هلاک کرده است که از او نیرومندتر و ثروت‌اندوزتر بودند؟ و مجرمان [که جرمشان معلوم و مشهود است] از گناهانشان بازپرسی نمی‌شود. [قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنان که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده‌اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است.

۲-۳. مخالفان نوع سوم

در این دسته، افراد مخالف، مخالفتشان را به صورت سازمان یافته و سیستمی و حتی به صورت مبارزه مسلحانه ابراز می‌کنند. این اشخاص که بیشتر به عنوان «براندازها» شناخته می‌شوند (میثمی، ۱۳۸۰) سودای انحلال نظام اسلامی و نشستن بر مسند حکومت را دارند و ممکن است در این راه، از هیچ کاری مضایقه نکنند. از مثال‌های

شاخص این نوع از مخالفان در عصر حاضر، می‌توان به «مجاهدین خلق» معروف به «گروهک منافقین» اشاره کرد که در کارنامه خود، ترور هفده هزار تن از مردم ایران را دارند (ر.ک: دائرةالمعارف شهدای ترور کشور، ۱۳۹۰). در صدر اسلام هم، این نوع از مخالفان سهم ویژه‌ای در تاریخ حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام داشته‌اند که به سه دسته «ناکین»، «قاسطین» و «مارقین» تقسیم می‌شوند. این افراد به ترتیب در سه جنگ «جمل»، «صفین» و «نهروان» به مبارزه مسلحانه مقابل امام پرداختند. نقل شده است که حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

«وكان يقول امرني رسول الله صلى الله عليه وآله بقتال الناكين والقاسطين والمارقين فالناكئون اصحاب الجمل والقاسطون اصحاب صفين والمارقون الخوارج (مقدسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۲۴)؛ رسول خدا به من دستور داد تا با ناکین و قاسطین و مارقین بجنگم. ناکان کسانی هستند که جنگ جمل را به راه انداختند و قاسطین کسانی هستند که در صفین جنگیدند و مارقین خوارج هستند.

۳. ضرورت برخورد با مخالف

برای پیگیری منطقی و نظام‌مند بحث، لازم است قبل از بررسی حکم اخلاقی روش‌های برخورد با مخالفان، به این پرسش پاسخ داده شود: آیا از اساس برخورد با مخالف لازم است؟ یا اینکه می‌توان به بهانه «آزادی» مخصوصاً «آزادی بیان» او را رها کرد؟ مقصود از برخورد، هرگونه برخورد سلبی و ایجابی است؛ به این معنا که گاهی برخورد مناسب، برخورد ظاهری نکردن و مدارا کردن است و گاهی برخورد مناسب، اقدام ظاهری در قالب تذکر یا محدود کردن و یا مجازات و حتی جنگ کردن است. بنابراین اثبات ضرورت برخورد، همه این مصادیق را شامل می‌شود و در مقابل آن، راهبرد نداشتن در برابر مخالف و آزاد گذاشتن آن است.

البته مراد از برخورد، همچنان که قبلاً هم به آن اشاره شد؛ برخورد حاکم اسلامی با مخالفان است؛ همچنین با توجه به عدم تأثیرگذاری مخالفان نوع اول در جامعه، مقصود از مخالف در این بخش، تنها مخالفان نوع دوم و سوم است. برای پاسخ به این پرسش در اینجا به یک دلیل عقلی و برخی از ادله نقلی اشاره می‌شود.

۳-۱. دلیل عقلی

مسئولیت حاکم اسلامی رسیدگی به حکومت و نیازهای جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و ضرر و زیان بر بدنه جامعه است. اگر شخص مخالف از راه قانونی مطالبات خود را پیگیری کند، هرج و مرج نمی‌شود و نظم عمومی جامعه، به هم نمی‌ریزد، اما اگر شخص مخالف، دست به تشویش اذهان عمومی و افترا و نفرت‌پراکنی و یا مبارزه مسلحانه و فیزیکی بزند، بی‌تردید مصداق ضرر و زیان، بر بدنه جامعه است؛ زیرا آرامش روانی و امنیت عمومی را از بین می‌برد. بنابراین از آنجاکه یکی از اغراض اصلی حکومت، جلوگیری از هرج و مرج و ضرر و زیان بر جامعه است، برخورد حاکم، با همچون مخالفانی عقلاً واجب است و در غیر این صورت، نقض غرض می‌شود و عقلاً قبیح است. مستند این دلیل، قاعده مشهور «لا ضرر» است که قاعده‌ای عقلی است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۱). همچنین در صحیفه امام آمده است: «حزب آزادند که مخالفت با ما یا با هر چیزی بکنند، مادامی که اقداماتشان مضر به کشور نباشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۸۲).

۳-۲. دلیل نقلی

در بسیاری از آیات قرآن، خداوند به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که در مقابل مخالفان برخورد‌های مختلف داشته باشد؛ گاهی مدارا و نرمش و گاهی صلابت و قاطعیت. برای مورد اول می‌توان به آیات ۶۳ و ۶۴ سوره «تساء» اشاره کرد:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا... أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا؛ چون به آنان گویند: [برای داوری و محاکمه] به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر آید، منافقان را می‌بینی که از تو به شدت روی می‌گردانند! اینان کسانی هستند که خدا آنچه را که [از نیات شوم، کینه و نفاق] در دل‌های آنان است می‌داند؛ بنابراین از آنان روی برتاب، و پندشان ده، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی.

عبارت «فأعرض عنهم و عظمهم» دلالت می‌کند بر دستور خداوند مبنی بر برخورد پیامبر با منافقان که در اینجا مدارا کردن است.

و برای مورد دوم آیه ۷۳ سوره «توبه» بسیار گویاست:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهِمْ حَيْثُمُ وَاوَاهِمِ الْمَصِيرُ؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت‌گیری کن [و درشت‌خو باش]؛ و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت گاهی است.

در این آیه، دستور به جهاد و سخت‌گیری نشان از شیوه قاطعیت در برخورد با مخالفان است. وجود این دسته از آیات قرآن کریم به‌روشنی ضرورت اصل برخورد با مخالفان را اثبات می‌کند.

۴. شیوه برخورد با مخالفان

رکن اساسی این پژوهش، بررسی همین بخش است. قدم اول توجه به مبانی است که به برخی از آنها در قسمت مقدمه و مفاهیم اشاره شد.

مرحله دوم، پیدا کردن شواهد، در دایره قرآن و سنت است. برای تطبیق بر مصادیق، ابتدا باید به دنبال اصلی فراگیر در مسئله باشیم و ببینیم که آیا می‌توان یک اصل کلی در این مسئله ارائه داد؟ پاسخ به این سؤال مثبت است و با توجه به شواهد فراوان از قرآن و سنت می‌توانیم یک اصل کلی را معرفی کنیم.

۴-۱. اصل کلی مسئله

اصل کلی، اصل هدایت است که به صورت مرحله‌ای رخ می‌دهد. این مراحل از تعافل و رفق و مدارا آغاز می‌شود و با نصیحت و اندرزهای عملی و قولی ادامه می‌یابد و نهایتاً به جنگ و جهاد و برخورد فیزیکی می‌رسد. آنچه از سیره رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومان علیهم‌السلام استفاده می‌شود، مشی بر طبق همین اصل است. هدف بعثت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اتمام مکارم اخلاق و هدف اخلاق، رسیدن به نهایت کمال و سعادت انسانی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۸). به عبارت دیگر، اسلام و قرآن و اولیای الهی برای هدایت انسان و رساندن او به کمال نهایی آمده‌اند و مقصود اولی و اصلی آنها، اتصال انسان به خدای متعال است (برای نمونه ر.ک: بقره: ۴؛ اسراء: ۹). در قاموس اسلام همه

انسان‌ها ظرفیت رسیدن به کمال را دارند؛ از این رو باید برای هدایت حداکثری آنها تلاش کرد. شاهد این مطلب روایتی است در *وسائل الشیعه* آمده است آمده است:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَحَدٌ فَاتَّبِعُوا مَا تَرَوْنَ مِنْ عَمَلِي فَإِنَّهُ لَيَكُونُ لَكُمْ خَيْرًا مِمَّا تَلْعَنُونَ عَلَيْهِ الشُّمُسُ وَغَرَبَتِ لَيْلٌ وَوَلَاؤُهُ يَا عَلِيُّ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۴۳)؛ ای علی! با هیچ کس جنگ نکن تا اینکه او را به اسلام دعوت کنی و به خدا سوگند اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، برای تو بهتر از آن چیزی است که خورشید بر آن می‌تابد، در حالی که ولایت تو را پذیرفته باشد.

اینکه پیامبر اکرم ﷺ پیش از مبارزه، دستور به هدایت کردن و اهمیت آن می‌دهند، نشان از مقدم بودن آن و همچنین اصل بودن آن، بر هر اقدام دیگری است.

در راستای این هدایت، نکته اساسی، محبت خلق و اخلاق حلیمانه با آنها است و تنها افرادی که به سوء اختیار، پذیرای این محبت نیستند و مغرضانه به مخالفت خود ادامه می‌دهند، مورد قاطعیت‌های نسبی قرار می‌گیرند که حکمت این قاطعیت‌ها نیز، فراهم کردن زمینه، برای هدایت بیشتر دیگر افراد جامعه است. از جمله آیاتی که به این مهم اشاره می‌کنند:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

شاهد مطلب، اشاره آیه به نقش محبت پیامبر ﷺ در جذب افراد است. همچنین عبارت «لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» به این نکته اشاره دارد که عدم هدایت مشرکان، با غرض اصلی رسالت پیامبر ﷺ همخوانی ندارد. همچنین است آیه ۱۲۸ سوره «توبه»:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»؛ یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سوی شما آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، استیقامت شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است.

صفات «عزیز علیه ما عنتم»، «حریص علیکم» و «رؤوف رحیم» نهایت و عمق دلسوزی و مهربانی حاکم، برای احاد جامعه را نشان می‌دهد که زمینه‌ساز هدایت حداکثری آنهاست. رمز جذب حداکثری رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومان ﷺ همین مطلب بوده است که در آیه ۴ سوره «قلم» در وصف رسول اسلام ﷺ، به زیبایی اشاره شده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ»؛ و به راستی که تو بر اخلاق بزرگ هستی.

روایات امر به معروف و نهی از منکر و آیات عدیده قرآن در جریانات مختلف، مخصوصاً برخورد با منافقان شواهد مهم این اصل هستند که در بخش بعدی به آنها اشاره می‌کنیم.

۲-۴. روش‌های مرحله‌ای

قبل از پرداختن به روش‌ها، تذکر یک نکته حائز اهمیت است.

اشاره شد که اصل کلی در مسئله، هدایت مرحله‌ای است. همان‌گونه که برای اصل هدایت، شواهد فراوانی

وجود دارد، مرحله‌ای بودن را هم می‌توان از برخی ادله، مانند ادله امر به معروف و نهی از منکر، استفاده کرد. در روایتی از رسول اکرم ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند:

«مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُنْكَرْ بِهِ إِنْ اسْتَطَاعَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَلْسَانَهُ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَقْبَلِهِ فَحَسْبُهُ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنَّهُ لِذَلِكَ كَارِهٌ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵)؛ هر کسی از شما یک عمل زشتی را ببیند، پس اگر نتوانست، آن عمل زشت را رد کند با دست خود (قدرت فیزیکی) و اگر نتوانست، با زبان خود و اگر باز هم نتوانست، با قلب آن را رد کند، پس او را کفایت می‌کند اینکه خدا از تنفر قلبی او نسبت به آن عمل زشت باخبر است.

از این حدیث به‌خوبی فهمیده می‌شود که واکنش در مقابل منکر، مرحله‌ای دارد که با توجه به شرایط تفاوت می‌کند و کمترین آن، اعراض قلبی است. البته به دلیل رعایت تناسب با موضوع پژوهش حاضر، از اعراض قلبی سخن به میان نیامده است. مقصود اصلی در این مراحل، هدایت است و روش این هدایت، با توجه به شرایط، مرحله‌هایی متفاوت می‌یابد.

از آنجا که مقابله با مخالف، یکی از موارد امر به معروف و نهی از منکر است؛ می‌توان با بهره‌گیری از این روایات، مرحله‌ای بودن برخورد حاکم را استخراج کرد و با توجه به سایر ادله این مسئله، مرحله‌ای را در شیوه برخورد حاکم، با مخالف ارائه داد.

۴-۲-۱. مدارا

مراد از «مدارا کردن» با مخالف، نوعی ملاحظت و سعه صدر و تحمل و گذشت از مخالف است (رزاقی موسوی، ۱۳۸۳). یکی از واژگانی که به این واژه نزدیک است واژه «رفقی» است، اما واژه رفق بیشتر درباره دوستان و موافقان به کار می‌رود؛ ولی استعمال واژه مدارا بیشتر درباره مخالفان است (داوری، ۱۳۸۰). این سعه صدر در مقابل مخالف، ممکن است به تبع شرایط مختلف، به گونه‌های متنوعی ظهور پیدا کند، اما قدر مسلم، همان مدارا کردن و ملاحظت، برای جذب مخالف است. در اینجا به برخی از مصادیق مدارا اشاره می‌شود.

۴-۲-۲. تغافل

تغافل به معنای خود را به غفلت زدن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۹۸). گاهی نرمش حاکم در مقابل مخالف، این گونه است که حاکم خود را به بی‌خبری می‌زند تا مخالف را از این طریق، بیدار کند. در فقه اسلامی، از تغافل تحت عنوان «اصل صحت» بحث شده است (باقی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۶).

شأن نزول آیه ۶۱ سوره «توبه» می‌تواند شاهدهی برای روش تغافل در برابر مخالف باشد. متن آیه چنین است: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ فَلَأَنَّ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ و از منافقان کسانی هستند که همواره پیامبر را آزار می‌دهند، و می‌گویند: شخص زود باور و نسبت به سخن این و آن سراپا گوش است. بگو: او در جهت مصلحت شما سراپا گوش و زود باور خوبی است، به خدا ایمان دارد و فقط به مؤمنان اعتماد می‌ورزد، و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، رحمت است، و برای آنانکه همواره پیامبر خدا را آزار می‌دهند، عذابی دردناک است.

در کتاب *تفسیر قمی* آمده، شخصی که به پیامبر نسبت «أذن» داده بود، فردی است به نام *عبدالله بن نفیل*. او پیش از نزول این آیه، سخن چینی پیامبر را می‌کرد و آن حضرت هم به او خبر داد که از کار او باخبر است؛ اما او قسم می‌خورد که چنین کاری نکرده است! پیامبر هم فرمود: «من از تو قبول کردم ولی دیگر این کار را انجام نده». بعد از آن *عبدالله بن نفیل* در جمع منافقان، نسبت زودباوری را به پیامبر می‌دهد و اینجا آیه ۶۱ «توبه» بر پیامبر نازل می‌شود (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۰). از این شأن نزول، به خوبی استفاده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ، روش تعافل را برای دادن فرصت بازگشت به مخالف، اجرا می‌کند.

۳-۲-۴. احسان

احسان در لغت به معنای ضد بدی است و به معنای خوبی کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۱۷). احسان با عدالت تفاوت دارد. عدالت هر چیزی را در جای خود قرار دادن است، اما احسان فراتر از عدالت و به معنای تفضل و نیکی کردن است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۰). گاهی حاکم اسلامی برای جذب مخالف، از طریق احسان کردن، با او مدارا می‌کند. روشی که منحصر به نظام ارزشی اسلام است و برخلاف عملکرد غالب حکمای غیراسلامی است؛ زیرا آنچه شایع است، حذف کردن مخالف، به محض مخالفت کردن از راه‌های مختلف است. اسلام در پاره‌ای از موارد دستور به «احسان به مخالف» را می‌دهد. آیه ۳۴ سوره «فصلت» به روشنی بر این مطلب دلالت می‌کند:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»؛ نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است.

پاسخ دادن بدی با خوبی که در این آیه به آن اشاره شده، شاهد مطلب است. این روش در برخورد امام حسن مجتبیٰ ﷺ با مرد شامی ناسزاگو، بسیار محسوس است که پیش‌تر به آن اشاره شد.

۴-۲-۴. نصیحت و گفتار نرم

یکی دیگر از روش‌های مدارا کردن با مخالف، نصیحت و موعظه و گفت‌وگو همراه با قول لین است. شاید مخالف از این طریق، دست از ضدیت‌ها بردارد و به صراط مستقیم کشانده شود. در آیه ۶۳ سوره «نساء» خداوند به پیامبر خود، دستور موعظه به منافقان را می‌دهد:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ يَلْعَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»؛ اینان کسانی هستند که خدا آنچه را که [از نیات شوم، کینه و نفاق] در دل‌های آنان است می‌داند؛ بنابراین از آنان روی برتاب، و پندشان ده، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی.

این شیوه در سیره امیرمؤمنان علی ﷺ مخصوصاً پیش از شروع شدن جنگ‌ها، به کار می‌رفته است (برای نمونه، رک: مهوری، ۱۳۷۹).

۴-۲-۵. قاطعیت کلامی

اگر حاکم اسلامی در برابر مخالف، از راه مدارا نتواند به نتیجه مطلوب برسد، وارد مرحله قاطعیت کلامی می‌شود.

مراد از قاطعیت کلامی، کلامی است، که در آن خبری از اظهار ملاطفت و مهربانی ظاهری نیست، بلکه ظاهری خشک و محکم و با صلابت دارد. قاطعیت کلامی، گاهی با استدلال و احتجاج ظهور پیدا می‌کند و گاهی هم با لعن و نفرین.

۴-۲-۶. استدلال و احتجاج

استدلال قاطع و محکم، می‌تواند مخالف را اقناع و یا خاموش کند و جلوی ضرر و زیان او را بگیرد. آیات ۱۳ و ۱۶ سورة «حزاب» نمونه‌ای از استدلال در برابر مخالفان است:

«وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنَّا رَبِّدُونَهَا فِرَارًا. قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذْ لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ و نگاه که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه! [میدان نبرد] جای درنگ و ماندن شما نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه [برگشتن] می‌خواستند، و می‌گفتند: خانه‌های ما بدون حفاظ است. در صورتی که بدون حفاظ نبود، و آنان جز فرار را قصد نداشتند! بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزد، گریز شما هرگز سودتان نمی‌دهد، و در این صورت [اگر هم سودتان دهد، از این زندگی زودگذر فانی] جز اندکی برخوردار نخواهید شد.

نکته حائز اهمیت در این دو آیه، لحن پاسخ به مخالفان است که لحنی محکم و با صلابت و بدون عاطفه ظاهری است. در آیه دوم هم، در ضمن یک استدلال، اشاره به بیهوده بودن فرار کردن می‌کند؛ اینکه اگر از مرگ هم فرار کنید، باز هم بهره‌تان قلیل خواهد بود؛ زیرا آخرت ابدی راه، از دست داده‌اید.

احتجاج در مقابل مخالفان در سیره معصومان علیهم‌السلام مخصوصاً امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بسیار مشهود است. برای نمونه می‌توان به احتجاج امیرمؤمنان علیه‌السلام با طلحه و زبیر اشاره کرد؛ وقتی زبیر با نقل روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره بهشتی بودن ده نفر از اصحاب ایشان، می‌خواست فضیلتی را برای خودش اثبات کند، حضرت از او اعتراف گرفتند؛ که خودشان هم داخل در آن ده نفر هستند و استدلال او را باطل کردند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۰).

۴-۲-۷. لعن و نفرین

گاهی قاطعیت کلامی، به صورت لعن و نفرین ظاهر می‌شود. واژه لعن در اصل، بر دور کردن و طرد نمودن دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ص ۹۲۱)؛ و زمانی که از جانب خدا باشد به معنای قطع رحمت و نعمات دنیوی و عقوبت اخروی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۱۴). در آیه ۲۳ سورة «محمد»، قرآن کریم منافقان را لعن و نفرین می‌کند:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»؛ آنان [که روی گردانند] کسانی هستند که خدا لعنتشان کند و گوش [دل] شان را کر و چشم [بصیرت] شان را کور گرداند.

لعن خداوند و نفرین او در قالب کر و کور کردن برای منافقان، نمونه بارز قاطعیت کلامی است که در آن ملاطفت وجود ندارد. همچنین امیرمؤمنان علیه‌السلام در ابتدای خطبه ۵۸ *نهج البلاغه*، خطاب به خواجه می‌فرماید: «أَصَابَكُمْ خَاصِبٌ وَلَا بَقِي مِّنْكُمْ [أَبْرٌ] أَثَرٌ»؛ طوفانی مرگ خیز شما را فرا بگیرد و هیچ اثری از شما باقی نماند! شاهد مطلب، نفرین خواجه برای گرفتار شدن در عذابی سخت است.

در مرحله پایانی، حاکم اسلامی، اقدام به برخورد فیزیکی و قهرآمیز می‌کند و از راه دستور به جهاد با مخالف، راه را برای هدایت جامعه هموار می‌سازد. اصطلاح جهاد در اینجا به معنای مبارزه در راه خدا با کافران و باغیان، برای دفاع از دین و شعائر دینی است (حصکفی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۱۷). براین اساس آیه ۷۳ سوره «توبه»، دستور به جهاد در مقابل کفار و منافقان می‌دهد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُسَّ الْمَصِيرُ»؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت‌گیری کن [و درشت‌خو باش]؛ و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت‌گاهی است.

جنگ‌های سه‌گانه امیرمؤمنان علی علیه السلام با ناکشین و قاسطین و مارقین هم نمونه‌هایی روشن، برای این روش است. البته امام علی علیه السلام تا پیش از جهاد در برابر خوارج، تلاش بسیاری برای هدایت آنها نمود. یکی از اقدامات ایشان ملاقات‌های خصوصی بود که با رهبران آنها انجام می‌داد. در این ملاقات‌ها امام علیه السلام به شبهات آنان پاسخ می‌گفت و می‌کوشید آنها را به راه حق برگرداند (سبحانی، ۱۳۹۴، ص ۶۲۷). همچنین مجازات اعدام برای مخالفانی که جرم «افساد فی الارض» برای آنها ثابت شود از همین قبیل است (برای نمونه ر.ک: رضانی، ۱۳۹۵).

کاربرد این مرحله، زمانی است که هیچ‌کدام از مراحل قبلی کارساز نباشد و حاکم اسلامی مجبور شود برای رفع فتنه، با مخالف داخلی برخورد فیزیکی و قهری کند. نکته مهم این است که حاکم اسلامی، حتی در این مرحله، قصد هدایت حداکثری را دارد و برای فراهم کردن هدایت بیشتر آحاد جامعه، به مقابله با مخالف می‌پردازد (برای نمونه ر.ک: مهوری، ۱۳۷۹؛ داعی‌نژاد، ۱۳۷۹).

جمع‌بندی روش‌های مرحله‌ای

با توجه به روش‌های مرحله‌ای، می‌توان تأثیر هر کدام از این روش‌ها را، با توجه به نوع مخالف مشخص کرد. به این صورت که تأثیر مدارا در مخالفان نوع اول، بیشتر از مخالفان نوع دوم و سوم است. همچنین تأثیر قاطعیت کلامی در مخالفان نوع دوم بیشتر از مخالفان نوع سوم است و سرانجام قاطعیت فیزیکی و جهاد معمولاً برای مخالفان نوع سوم به کار می‌رود. البته این بدان معنا نیست که در مورد مخالفان نوع سوم مدارا صورت نمی‌گیرد؛ بلکه به این معناست که معمولاً در مخالفان نوع سوم، به دلیل شدت مخالفت، مرحله اول و دوم کارساز نیستند.

۵. چالش‌ها

تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که یک معیار فراگیر، برای برخورد حاکم با مخالف وجود دارد و آن «اصل هدایت» است. این هدایت با روش‌های مرحله‌ای صورت می‌گیرد. گاهی ترتیب این مراحل، حاکم را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. این چالش‌ها سبب می‌شوند که حاکم به گونه‌ای دیگر عمل کند. در ادامه به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌شود.

۵-۱. چالش زمان

در برخی موارد، مخالف به گونه‌ای فتنه‌انگیزی می‌کند که اگر حاکم بخواید مرحله مدارا و یا قاطعیت کلامی را طی کند، ضرر غیرقابل جبرانی به نظم عمومی جامعه وارد می‌شود. در اینجا سؤالی پدید می‌آید که آیا حاکم اسلامی می‌تواند مانند موارد عادی برخورد کند و زمانی را اختصاص به مدارا یا تذکر به مخالف بدهد؟ یا لازم است به صورت مستقیم، سراغ مرحله آخر برود؟ پاسخ این است که حاکم، چاره‌ای ندارد جز اینکه به سرعت سراغ مرحله آخر برود و با برخورد قهری و فیزیکی و مجازات، جلوی این ضرر عظیم را بگیرد. این چالش، «چالش زمان» است؛ به این معنا که زمان کافی برای گذراندن همه مراحل هدایتی وجود ندارد و برای جلوگیری از ضرر بیشتر، هر چه سریع‌تر باید با مخالف برخورد قهری شود (برای نمونه ر.ک: مهوری، ۱۳۷۹).

در تاریخ آمده است که دسته‌ای از عرب بنی‌ناجیه در عصر خلافت امام علی علیه السلام به مخالفت با او برخاستند و طغیان کردند. امام بلافاصله *زیادبن ابیه* را برای مقابله با این مخالفان فرستاد. او تا حدودی موفق بود؛ اما همچنان تعدادی از عرب بنی‌ناجیه باقی ماندند که شورش می‌کردند و این بار با سرکردگی *خریت‌بن راشد* به مخالفت برخاسته بودند. امام بار دیگر عاملی به نام *مقل‌بن قیس* را فرستاد تا مخالفان را سرکوب کند و مانع شورش و طغیان آنها شود. *مقل‌بن قیس* توانست این مأموریت را به صورت کامل انجام دهد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۳۶۷).
اینکه امام علی علیه السلام بدون فوت وقت، برای مقابله فیزیکی اقدام می‌کنند، نشان‌دهنده آن است که زمان کافی برای مدارا و قاطعیت کلامی وجود نداشته است؛ زیرا سیره آن حضرت گواه آن است، که هر جا امکان مدارا وجود داشته باشد، حضرت دست به اقدام جهادی نمی‌زدند.

۵-۲. چالش رسانه دشمن

حاکم اسلامی برای برخورد با مخالف مخصوصاً در مرحله سوم، با چالش رسانه دشمن مواجه است. توضیح اینکه برخی در جامعه با تحریک رسانه و تبلیغات دشمن و به بهانه «حقوق بشر» یا «آزادی»، این برخورد حاکم را بر نمی‌تابند و می‌خواهند از همین فرصت استفاده کنند و فتنه جدیدی به پا کنند. البته این چالش فراتر از این موارد است و به طور کلی، خاستگاه فتنه‌انگیزی در جامعه اسلامی است. در این صورت حاکم حکومت اسلامی باید به کمک خواص جامعه و عالمان بصیر از راه جهاد تبیین، فتنه آنان را خنثا کنند تا زمینه اجرای حدود فراهم شود و جلوی فتنه‌انگیزی رسانه دشمن گرفته شود (برای نمونه ر.ک: خاشعی، ۱۳۸۸؛ عیسی‌نیا، ۱۳۹۹). این تبیین، مبتنی بر بیان چرایی مبارزه با مخالفی است که از راه‌های مدارا و تذکر، دست از اخلاگری خود برنداشته و تهدیدی برای آرامش و نظم عمومی جامعه شده است. همچنین تبیین دستاوردهای حکومت اسلامی و اغراض پلید و شوم دشمن بسیار راه‌گشاست. توضیح دقیق مفاهیم مبهمی مانند «حقوق بشر» و «آزادی» می‌تواند جلوی سوءاستفاده از آنها را برای فتنه‌انگیزان بگیرد (برای نمونه، ر.ک: فارسی، ۱۳۸۲). علاوه بر جهاد تبیین، گاهی استفاده از محدود کردن ابزار رسانه‌ای دشمن یکی از راه‌های مقابله با این چالش است (محب‌الرحمان و دیگران،

۱۳۹۴). ابزارهای رسانه‌ای دشمن، بلندگوهایی هستند که به هدف براندازی نظام اسلامی فعالیت می‌کنند و در فضایی بسته و ناعادلانه، بر اصول نظام اسلامی می‌تازند. گرچه آزادی این ابزار تا جایی که اصل آزادی در آن رعایت شود و نشانگر نظرات متفاوت باشد، برای رشد بصیرتی جامعه مفید است؛ اما جایی که رویه اصلی آن تخریب نظام اسلامی و به نفع دشمن باشد، حاکم اسلامی باید به منظور پاسداری از امنیت روانی جامعه و از باب نهی از منکر، آن را محدود سازد (همان).

از شواهد این مطلب می‌توان به قاعده نفی سبیل (نساء: ۱۴۱؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۵)، حرمت حفظ کتب ضلال (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۵)، قاعده حفظ مصلحت (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۱۵۹) و ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰۴) اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

مسئله برخورد با مخالفان از مسائل کاربردی اخلاق اجتماعی است که بررسی اخلاقی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله از مسائل چالشی و پیچیده است که رسالت حل آن در رشته اخلاق، بر عهده «اخلاق کاربردی» است. برای استفاده از روش اخلاق کاربردی، استفاده از مبانی فرائد اخلاق و معیارهای اخلاق هنجاری ضروری است. بررسی مسئله روش برخورد با مخالفان، مستلزم شناخت دقیق مخالفان و انواع آنها و اصل کلی برخورد با آنها، با توجه به یافته‌های قرآن و سنت است. از آنچه گفته شد می‌توان به پنج نتیجه کاربردی اشاره کرد:

۱. برای به دست آوردن حکم اخلاقی مسئله روش برخورد با مخالفان باید با شیوه‌ای مناسب، موضوع و حکم

مسئله را شناسایی کنیم و در این راستا توجه به عوامل و انگیزه‌های آنان بسیار راه‌گشا است؛

۲. برخورد با همه مخالفان، به صورت یکسان نیست، بلکه با توجه به انواع مخالفان، رویکردهای مختلفی پیدا می‌کند؛

۳. معیار اساسی برای تعیین روش برخورد با مخالفان، توجه به اصل کلی هدایت‌های مرحله‌ای است، که از مدارا شروع می‌شود و با قاطعیت کلامی ادامه می‌یابد و در نهایت به جهاد و مقابله فیزیکی می‌رسد؛

۴. مدارا به یکی از روش‌های تغافل، احسان و نصیحت انجام می‌شود و قاطعیت کلامی از راه استدلال و احتجاج و یا لعن و نفرین صورت می‌گیرد؛

۵. در مرحله قاطعیت فیزیکی، حاکم اسلامی با چالش‌هایی مانند چالش زمان و چالش رسانه دشمن مواجه می‌شود. حل این چالش‌ها رفتار متفاوتی را از حاکم اسلامی می‌طلبد. در چالش زمان، حاکم از مراحل اولیه صرف‌نظر می‌کند و به سرعت جلوی فساد مخالف را، با اجرای مرحله سوم می‌گیرد و در چالش رسانه دشمن، به تبیین می‌پردازد و خواص جامعه را به روشننگری اغراض سوء دشمن، تشویق می‌کند و در مواردی، ابزار رسانه‌ای دشمن را محدود و مسدود می‌کند.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، قم، بنیاد نهج البلاغه.

ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۵ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.

ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۳۹۹ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تحقیق و تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر.

ابوالفتحی محمد و دیگران، ۱۳۹۴، «مفهوم ژئوپلیتیک شیعه، برآیند تقابل بیناذهنی انقلاب اسلامی و جبهه مخالف آن».

سیاست دفاعی، ش ۱، ص ۱۴۳-۱۸۸.

احسانی، سیدمحمد، ۱۳۸۹، «مدارا با مخالفان در سنت و سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام»، *معرفت*، ش ۱۵۶، ص ۳۱-۴۴.

—، ۱۳۹۴، «عامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام»، *اندیشه سیاسی در اسلام*، ش ۵، ص ۷-۳۲.

اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۰۵ق، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دارالأضواء.

باقی زاده رضا و قاسم احمدی، ۱۳۹۶، «نقش تعادل در تربیت اسلامی با محوریت سیره نبوی و علوی»، *پژوهش های اخلاقی*،

سال هشتم، ش ۱، ص ۴۳-۵۲.

پارچه باف، رضا و سیدمحمد رضا موسوی نسب، ۱۳۹۳، «بررسی اصول و روش های تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مواجهه با خاطیان نسبت به

حقوق شخصی ایشان»، *اسلام و پژوهش های تربیتی*، ش ۱۱، ص ۹۹-۱۱۱.

پارچه باف، رضا، ۱۳۹۶، *سیره تربیتی اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله در مواجهه با خطاکاران*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

توکلیان، محمدحسین و دیگران، ۱۴۰۰، «اهداف کاربست مدارا با مخالفان در سیره نبوی و علوی»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*،

ش ۴۵، ص ۳۵-۵۸.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چ چهارم، بیروت، دارالعلم.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حصکفی، محمدبن علی، ۱۴۰۷ق، *رد المحتار علی الترمذی المختار*، حاشیه ابن عابدین، محمدامین، بیروت، چاپ افست.

حق پناه، رضا، ۱۳۸۳، «انتقاد و انتقادپذیری»، *اندیشه حوزه*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۱۲۷-۱۵۳.

خاشعی و رناخواستی، وحید، ۱۳۸۸، «درآمدی بر سیاست های رسانه ای مقابله با جنگ نرم»، *وسایل ارتباط جمعی (رسانه)*، ش ۲،

ص ۱۲۷-۱۵۱.

داعی نژاد، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۹، «امام علی علیه السلام و اصول برخورد با دشمنان»، *حکومت اسلامی*، ش ۱۸، ص ۳۸۷-۳۹۹.

داوری، محمد، ۱۳۸۰، «رفق و مدارای تربیتی در سیره معصومین علیهم السلام»، *حوزه و دانشگاه*، ش ۲۸، ص ۹۶-۱۰۹.

دایرةالمعارف شهیدی ترور کشور، ۱۳۹۰، تهران، بنیاد هایلیان (خانواده شهدای ترور کشور).

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات فی غریب الفاظ القرآن*، چ دوم، قم، دفتر نشر کتاب.

رزاقی موسوی، سیدقاسم، ۱۳۸۳، «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، *معرفت*، ش ۸۶، ص ۱۵-۲۲.

رضائی، سوسن، ۱۳۹۵، «بررسی فقهی - حقوقی مجازات افساد فی الارض»، در: *کنگره بین المللی جامع حقوق ایران*.

سبحانی، جعفر، ۱۳۹۴، *فروع ولایت*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

سلطانی، نصرالله، ۱۳۹۴، *رفتار با مخالفان (از دیدگاه نبوی)*، قم، معارف.

شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۰، «چیستی اخلاق کاربردی»، *معرفت اخلاقی*، ش ۳، ص ۸۳-۹۶.
شیرودی، مرتضی، ۱۳۸۹، «اپوزیسیون رسانه‌ای و جنگ نرم»، *حصون*، ش ۲۳، ص ۴۰-۵۰.
صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد، مرتضی.
عیسی‌نیا، رضا، ۱۳۹۹، «جهاد تبیین در زمانه جمهوری اسلامی ایران و نقش روحانیت در آن»، *پژوهشنامه تبلیغ اسلامی*، ش ۴، ص ۲۹-۴۱.

فارسی، جلال‌الدین، ۱۳۸۲، «مفهوم و واقعیت آزادی»، در: <http://ensani.ir/fa/article/9366>.
فراستی، عبدالوهاب، ۱۳۷۸، *مفهوم حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، چ سوم، قم، دارالکتاب.
لطیفی، علی و محمدحسین ظریفیان یگانه، ۱۳۹۱، «اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی»، *پژوهشنامه اخلاق*، ش ۱۵، ص ۱۰۱-۱۱۶.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
محب‌الرحمان، محمد مهدی و دیگران، ۱۳۹۴، «پژوهشی در حکم فقهی فیلتر (شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی)»، *فقه*، ش ۲۲، ص ۳۳-۶۲.

محقق داماد، مصطفی، ۱۴۰۶ق، *قواعد فقه*، چ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۸۰، «عدالت و احسان در سیره امام علی»، *پاسدار اسلام*، ش ۲۳۱ و ۲۳۲، ص ۲۰-۳۰.
مصباح بزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
_____، ۱۳۹۸، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مقدسی، مطهرین طاهر، بی‌تا، *البیضاء والتاریخ*، بی‌جا، مکتبه الثقافة الدینیه.
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، *تحریر الوسیله*، قم، دارالعلم.

_____، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، چ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
مهوری، محمدحسین، ۱۳۷۹، «سیره امیرالمؤمنین در برخورد با مخالفان جنگ‌طلب»، *حکومت اسلامی*، ش ۱۷، ص ۴۲۸-۴۵۳.
میثمی، لطف‌الله، ۱۳۸۰، «برانداز کیست؟ براندازی چیست؟»، *بازتاب اندیشه*، ش ۱۷، ص ۵۵-۶۰.
نائینی، محمدحسین، ۱۳۵۲، *أجود التقریرات*، قم، عرفان.

واعظی، محمدجواد، ۱۳۸۸، *سیره عملی ائمه معصومین* و *اصحاب در برخورد با مخالفین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.